

«اسلام؛ مذهب، فرهنگ و تاریخ»

○ شهرام انصاری

محدود می‌شود. قسمت بزرگی از این سرزمین را صحرا فراگرفته است. مرکز این کشور، کوهستانی و دارای مزارع سرسبز و هوای لطیف است. سرزمین یمن در آن زمان مرکز تمدن و تجارت بوده است. این کشور ابتدا مورد حمله حبشه و بعد ایران قرار می‌گیرد که در نتیجه هرکدام از آن‌ها کنترل قسمتی از آن را در دست گرفتند تا اینکه این سرزمین‌ها توسط پیامبر اسلام (ص) فتح شد.

در قرن اول میلادی شمال این سرزمین در دست رومی‌ها بود. و بعداً به دست ایرانی‌ها و بیزانته‌ها افتاد. دولت‌های شمالی عربی بعد از تجزیه کشور یمن، دارای تمدن شدند و اوج شکوفایی آنها در قرن ششم میلادی بوده است. شهرهای حجاز و مکه مهمترین شهرهای عربستان بودند. پیامبر اسلام (ص) نیز در شهر مکه و به عبارتی مهمترین شهر عربستان و در میان بهترین نژاد عرب متولد شده است.

این شهرها، بهترین شهرهای فرهنگی - مذهبی، اقتصادی آن زمان بوده است. در سرزمین حجاز زبانی نضج گرفت که شاعران آن را به کار می‌بردند و بعداً زبان قرآن آن را زیباتر ساخت. ادبیات عرب دارای مقدار

○ اسلام، مذهب، فرهنگ و تاریخ

○ پرفسور رایف ژرژ کوری

○ انتشارات جیبی BI، اول ۱۹۹۳ م.

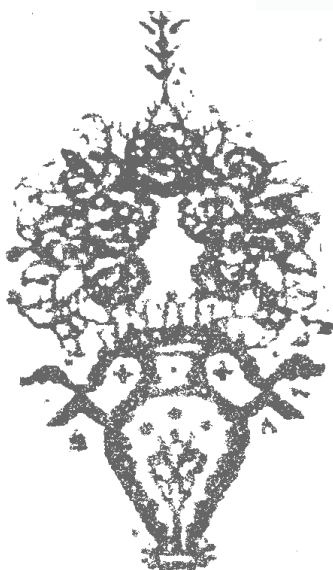
پیش از بررسی موضوع و محتوای کتاب، بر زندگانی و سوابق علمی و دانشگاهی مؤلف آن نظری گذرا می‌افکنیم.

مؤلف کتاب پرفسور رایف ژرژ کوری (RAIF GEORGES KHOURY)

در سال ۱۹۳۶ م، متولد شد. او ابتدا در رشته زبان‌شناسی و شرق‌شناسی و بعداً در حوزه فرهنگ اعراب و اسلام‌شناسی تحصیل کرد و در سال ۱۹۶۶ م، موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه سوربن پاریس شد و در سال ۱۹۷۰ م. بعد از نوشتن رساله‌های عالی در دانشگاه هایدلبرگ، اجازه استادی گرفت و در سال ۱۹۷۵ م، استاد اسلام‌شناسی همان دانشگاه شد. وی کتابها و مقالات زیادی را درباره اسلام‌شناسی نوشته و مقالاتی را نیز به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و عربی در مجله‌های تخصصی به چاپ رسانده است. مؤلف در این کتاب سعی کرده است مهمترین مسائل مربوط به اسلام را نشان داده و جواب‌های مربوط به سؤال‌های مطرح شده را ارائه دهد. در این کتاب سعی شده است به سؤالات مربوط به وحدت فرهنگی، سیاست، فرهنگ و مذهب که هسته اصلی دنیای اسلام را تشکیل می‌دهند جواب داده شود.

این کتاب در ده بخش تنظیم شده است که به ترتیب عبارتند از: ۱- عصر جاهلیت ۲- پیامبر اسلام، مذهب جهانی و یک قدرت جدید ۳- خلافت و امامت ۴- اولین رنسانس اسلامی ۵- شکوفایی رنسانس کلاسیک در اسلام ۶- اهمیت علوم اسلامی در مغرب زمین ۷- انحطاط سیاسی و فرهنگی ۸- رنسانس جدید و پیشاتازان آن ۹- اصلاح‌طلبان و بنیادگرایان ۱۰- جهان اسلام امروز. اکنون به بررسی اجمالی هر یک از بخشهای دهگانه این کتاب می‌پردازیم.

بخش یکم: در این بخش به بررسی عصر جاهلیت قبل از اسلام و اوضاع و احوال جغرافیایی و تاریخی شبه‌جزیره عربستان پرداخته می‌شود و مؤلف ضمن آن به دادن اطلاعاتی در این باره می‌پردازد. کشور عربستان ۲/۵ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد. این کشور از شمال به عراق و سوریه، از جنوب به اقیانوس هند، از غرب به دریای سیاه و از شرق به خلیج فارس





کمی نثر و مقدار زیادی شعر بود که هنوز هم قسمتی از آن باقیمانده است. این اشعار اکثراً کوتاه بوده و از ظرافت و الهام خاصی برخوردار بوده است. ادبیات عرب تصویر زندگی مردم آن سرزمین را منعکس کرده است که اصطلاحاً آنها را دیوان اعراب می‌گویند. اهمیت این شاخه فرهنگ عرب به حدی است که بعدها شاعران اسلامی نیز از آن تقلید کردند.

بخش دوم کتاب به بررسی احوال پیامبر اسلام و مسأله‌ای تحت عنوان مذهب جهانی و یک قدرت جدید می‌پردازد و می‌گوید پیامبر اسلام (ص) از نژاد قریش بوده و در سال ۵۷۰ میلادی در شهر مقدس مکه متولد شده است در اوایل زندگی خود تحت نظر و تعلیم و تربیت عمو و پدربزرگش بود. در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد و قرآن مجید، کتاب آسمانی اوست. این کتاب مقدس دارای ۱۱۴ سوره بوده که قسمتی از آن در شهر مکه و بقیه در مدینه نازل شده است.

چون پیامبر اسلام (ص) اندیشه یک انقلاب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را هدایت و رهبری می‌کرد که به نفع مردم قریش نبود، همیشه مورد فشار و شکنجه قرار می‌گرفت. و وقتی که فشار و سختی آنها به اوج خود رسید پیامبر (ص) به شهر مدینه هجرت کرد و در آنجا حکومت جدید خود را تشکیل داد و تمام اعراب را تحت یک پرچم واحد جمع کرد. پیامبر (ص) در سال ۶۳۲ م، درگذشت.

اسلام دین بخشش و ایثار است و نمی‌خواهد فقط تربیت مذهبی مردم را در دست داشته باشد، بلکه برنامه زندگی فردی، فرهنگی و سیاسی مردم را نیز تعیین می‌کند. مسائلی نیز که مستقیماً در قرآن مجید مطرح نشده است، باید از سنت و زندگی پیامبر اسلام گرفته شود. دین اسلام دینی است که بسیاری از اشتباهات ادیان مسیحیت و یهود را تصحیح می‌کند و به آن‌ها شکل جدیدی می‌دهد. اولین اصل این دین ایمان به خدای یکتایی است که پیامبر آن حضرت محمد (ص) می‌باشد. فروع این دین عبارتند از نماز، روزه، انفاق، حج و جهاد.

بخش سوم این کتاب عهده‌دار بررسی مسأله خلافت و امامت در اسلام است. مسأله خلافت و امامت، یکی از مهمترین مسائل اساسی و مؤثر در رشد سیاسی و فرهنگی اسلام می‌باشد.

در زمان پیامبر اسلام تمام قوانین اداری و حکومتی از زبان پیامبر اسلام اخذ می‌شد، ولی برای جانشینی پیامبر (ص) مشکلات و مسائلی به وجود آمد. خلفای اولیه پیامبر (ص) از طریق رأی برخی مسلمانان برگزیده شدند، اما به دست گرفتن قدرت توسط مؤسس سلسله امویان به صورت دیگری انجام شد.

حاکمان این سلسله از پیروان مذهب سنی بودند، اما مخالفانی نیز داشتند، به خصوص پیروان حضرت علی (ع) یعنی شیعیان از جمله مخالفان این حاکمان بودند. شیعیان عقیده داشتند که حضرت علی (ع) جانشین واقعی پیامبر اسلام (ص) است، به این دلیل سیستمی به اسم امامت برای خود داشتند. واژه امامت در میان اهل سنت نیز بکار برده می‌شد. شیعیان به ۱۲ امام اعتقاد دارند که امام دوازدهم آنها غیبت کرده است. فرقه دیگری به اسم اسماعیلیان وجود دارد که هفت امامی هستند و معتقدند که امام هفتم آنها غایب است. این فرقه اختلافات فاحشی با فرقه‌های شیعه و سنی



بخش چهارم این کتاب تحت عنوان اولین رنسانس اسلامی؛ قرآن مجید و انقلاب آن به کندوکاوی درباره این مسأله می‌پردازد.

رنسانس کلاسیک در اسلام، بدون ملاحظه تأثیر قرآن مجید بر جهان اسلامی غیرقابل تصور است. هسته اصلی ایجاد انگیزه برای رشد فکری در اسلام، در قرآن مجید نهفته است. متن قرآن مجید برای مسلمانان همواره حیاتی بوده و هست. این مسأله فقط برای جریان‌های مذهبی صرف معتبر نیست، بلکه برای جریان‌های فرهنگی نیز معتبر است. کلمات قرآن مجید کامل و غیرقابل تقلید می‌باشد، تا حال سبک و سیاق ادبیات قرآن مجید، در زبان و ادبیات عرب، وجود نداشته است. زبان و محتوای قرآن مجید هم برای اعراب و هم برای غیرعرب‌ها توضیح و تفسیر می‌شد. به این دلیل اهل علم در مساجد و خانه‌های شخصی دور هم گرد می‌آمدند تا با زبان قرآن مجید آشنا شوند و بتوانند آن را تفسیر کنند. با این گردهمایی‌ها اولین کتابها درباره زندگینامه پیامبر اسلام (ص)، شعر، تاریخ، جغرافی، اخلاق، تفسیر قرآن مجید و... به رشته تحریر درآمد.



تاریخی جهان ارائه دهد. دانشمندان فرانسوی سخت تحت نفوذ افکار او قرار گرفتند.

بخش هفتم با عنوان انحطاط سیاسی و فرهنگی به تجزیه و تحلیل این مسأله سرنوشت ساز می پردازد. که اینک با نظری اجمالی به بررسی فرازهایی از این بخش نیز می پردازیم. نویسنده معتقد است قدرت مرکزی خلفه، از قرن سوم تا نهم بعد از میلاد، کم کم رو به انحطاط نهاد. به ویژه از زمانی که افسران ترک و غیرعرب به درون آنها نفوذ کردند.

بی ثباتی سیاسی و کاهش هنرمندان باعث پیروزی نهائی اصول گرایان شد و آنها توانستند نوعی دادگاه تفتیش عقاید تاسیس نمایند که تا آن زمان به این شکل در اسلام وجود نداشت.

تغییرات سیاسی و به دست گرفتن قدرت توسط غیرمسلمانها، باعث غریب ماندن حوزه های علمی شد آزادی تفکر و به خصوص اجتهاد را که برای فهم مسائل اسلامی و مردم مهم بود، کمرنگ نمود. به این ترتیب عقاید کثرت گرایی که روح علمی را زنده نگه می داشت به پایان خود نزدیک شد و آزادی تفکر اهمیت خود را از دست داد.

بخش هشتم تحت عنوان رنسانس جدید و پیشگازان آن به بررسی این مسأله بسیار مهم می پردازد و معتقد است با اینکه حاکمان اسلامی در شهر استانبول برای مدتی توانستند، جو سیاسی جهانشمول با شکوفائی اقتصادی و فرهنگی به وجود آورند، ولی این رشد مثبت برای مدت زیادی دوام نداشت و رفته رفته در مؤسسات و ادارات دولتی، ظلم و ستم و فساد رواج یافت. به طوری که دیگر هیچ نوآوری ای در آن ها به چشم نمی خورد.

این بود که فرهنگ صدمه زیادی خورد و بی سوادی وسعت پیدا کرد. راه حل این مسائل این بود که از فرهنگ اروپا تقلید کنند و از روح فرهنگ اروپا در خود بدمند. وضع جغرافیائی و چند مذهبی بودن کشور لبنان، به ویژه وجود مسیحیان در این منطقه، باعث ورود فرهنگ اروپائی شد. قدرت های مسیحی این فکر را تعقیب کردند و ثمره آن را در نیمه دوم قرن نوزدهم دیدند. نمونه عینی این مسأله در کشور مصر تحقق پیدا کرد. محمدعلی سلسله ای تأسیس کرد و می خواست دولتی مقتدر به وجود آورد. باین ترتیب، نیروهای اروپائی و مهاجران مسیحی کشورهای لبنان و سوریه و مصر با یکدیگر متحد شدند و برای پیشرفت کشور، حرکت روشنفکرانه ای را شروع کردند. این حرکت باعث نوآوری های جدیدی در حوزه های فرهنگی و اجتماعی شد. یکی از ثمرات این حرکت، تأسیس دانشگاه الازهر است که استادان و نمایندگان آن نقش مهمی در این روند جدید ایفا کردند.

بخش نهم کتاب تحت عنوان اصلاح طلبان و اصول گرایان به بررسی یکی از جنجالی ترین مسائل جهان اسلام می پردازد نویسنده در این بخش معتقد است اصل اجتهاد در فرهنگ کلاسیک اسلام اجازه داد که درباره ابعاد مختلف فرهنگ های دیگر بررسی و بحث شود، به شرط آنکه این گونه مباحث برای جامعه مفید و مؤثر باشد. مسأله با تطابق با اوضاع و دنیای جدید با در نظر گرفتن بخش هفتم یعنی (انحطاط سیاسی و فرهنگی انحطاط رنسانس)، منتفی است.

در عصر جدید سعی شده است به دنبال جستجوی جواب ضعف های اروپا، فساد و انحلال خود در جامعه به خاطر بی توجهی به ارزش های اسلامی، باشند. به این دلیل اولین اصلاح طلبان، عوامل فاسد را پیدا نمودند و بازگشت به پاکي اولیه اسلام را اعلام کردند. سیدجمال الدین اسدآبادی و شاگردش محمد عبده برای ایجاد آشتی میان علم و دین پیشقدم شدند و اعلام داشتند که اصل اجتهادی که به فراموشی سپرده شده است، باید دوباره زنده شود، تا جامعه اسلامی بر پایه روح اسلام مبتنی شود و بر این اساس در برخی قوانین تجدیدنظر به عمل آید.

اولین موضوعاتی که در مذهب ریشه داشت، به صورت علمی نظیر عرفان، الهیات و حقوق در جامعه درآمد و کم کم این تلاش پی گیر در قرآن باعث رشد شاخه های دیگر علوم مانند نجوم، پزشکی، ریاضیات، کیمیاگری و ... نیز شد. قرآن مجید تا امروز کانون اصلی فرهنگ اسلامی بوده و مانده است.

بخش پنجم کتاب با عنوان شکوفایی رنسانس کلاسیک در اسلام، به بررسی این موضوع می پردازد و معتقد است تاریخ رنسانس کلاسیک در اسلام با حکومت عباسیان که شهر بغداد را به عنوان پایتخت انتخاب کردند، رابطه بسیار نزدیکی دارد. عباسیان از آنجایی که برای تحکیم پایه های حکومت خود به آراء و تفکرات ریشه دار و اصیل نیازمند بودند، از افکار و اندیشه های ایرانیان استفاده سرشار کردند. به این دلیل برای اشاعه فرهنگ، آکادمی علمی به نام بیت الحکمه تأسیس کردند که در آن جا علوم و فلسفه یونانی ها تدریس می شد.

در این منطقه تا آن زمان هنوز فرهنگ اسلامی نضج کافی پیدا نکرده بود و بیشتر مترجمان مسیحی بودند و علاوه بر آنها دانشمندان مسیحی بزرگ دیگر نیز در آنجا زندگی می کردند. علاوه بر این در بیشتر کشورهای اسلامی به ویژه در اسپانیا، مصر، عراق و مراکش مراکز دانشگاهی تأسیس شدند. در این مدارس دانشگاهی، دانشمندان و دانشجویان به بحث و تفسیر درباره موضوعات مختلف می پرداختند. افزون بر این از مدارک مهم رونویسی کرده و آنها را پخش و منتشر می کردند و از این طریق قبل از آنکه دانش یونانی از جمله پزشکی، ریاضیات، کیمیاگری، فارماکولوژی، فلسفه به ویژه فلسفه افلاطون و ارسطو به اروپا منتقل شود، علوم جدید توسط دانشمندان اسلامی و با توجه به تجربیات شخصی ای که داشتند در همه جا به سرعت گسترش یافت.

بخش ششم کتاب یکی از مهم ترین و جالب ترین مباحث موجود در تاریخ علم و تمدن را تحت عنوان اهمیت علوم اسلامی برای مغرب زمین مورد بررسی قرار می دهد. در این بخش نویسنده معتقد است فرهنگ اسلامی بیشتر در دوره عباسیان در بغداد و اندلس به اوج شکوفائی خود رسید و از خود نوآوری های فکری خوبی به وجود آورد که تأثیر به سزائی بر فرهنگ مسیحیت گذاشت.

ایتالیا و اسپانیا بهترین جای تالاقی و تماس های علمی بود و در اثر همین تماس ها بود که حرکتی علمی مهم و بسیار وسیعی به وجود آمد و در نتیجه موجب فراهم شدن زمینه ای برای ترجمه کتابهای فراوانی به زبان های اروپائی شد.

ابت فون کلونی (Abt Von Cluny) و پتروس و نرا بیلز (Petrus Venerabilis) در قرن دوازدهم نسبت به اسلام علاقه شدیدی نشان دادند و در ترویج علم و دانش کوشش های فراوانی کردند در مدارس ترجمه در شهر تولدو (Toledo) ترجمه آثار باارزشی نظیر تفسیر فلسفه ارسطو، ابن سینا، ابن رشد و ... به زبان های اروپایی فراهم شد. بعد از فلسفه، علوم طبیعی مسلمانان برای قرون وسطای اروپا از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

بدون شک در این میان علم پزشکی مسلمانان که به نقطه اوج خود رسیده بود نقش بسیار زیادی را بازی کرد. آثار معروف پزشکی ابن سینا در اروپا نیز درست مثل مشرق زمین مرجعیت پیدا کرد و علاوه بر معروفیت فوق العاده ای که به دست آورد در دانشگاه های مهم اروپا تدریس می شد. مسلمانان در علوم نجوم، شیمی، فارماکولوژی و ریاضیات نیز با موفقیت به نوآوری های دست پیدا کردند و راه های جدیدی را در این زمینه ها نیز ابداع نمودند.

در حوزه علوم انسانی نیز ابن خلدون - که فیلسوف و دانشمند نابغه ای بود^۱ - توانست با نظریه های خود درباره فلسفه تاریخ و جامعه شناسی، در تکامل تاریخی انقلابی برپا نماید و تحلیل های جدیدی را درباره اوضاع

